

شنبه 28 مهر 1397 - 10 صفر 1440 - 20 اکتبر 2018

جلوس "لطفعلی خان زند" آخرین فرمانروای زندیه بر تخت سلطنت (1203 ق)



جلوس "لطفعلی خان زند" آخرین فرمانروای زندیه بر تخت سلطنت (1203 ق)

لطفعلی خان زند (۱۱۴۸-۱۱۷۳ خورشیدی) واپسین فرمانروای زند بود که میان سالهای ۱۱۴۸ تا ۱۱۷۳ خورشیدی (۱۲۰۳ تا ۱۲۰۹ قمری) بر سر پادشاهی با همایورد نیرومندش آغا محمدخان قاجار به نبرد پرداخت و سرانجام از او شکست خورد و با مرگ او پرونده دودمان زند نیز بسته شد. طایفه زند یکی از طوایف قوم لک می‌باشد. وی پسر جعفرخان زند و نوه صادق خان زند برادر بنیادگذار فرمانروایی زندیان؛ کریمخان زند وکیل الرعایا بود. وی دارای ویژگیهای برجسته بسیاری چون خوش‌زمنی، دلاوری، نیرومندی و هوش سرشار بود. وی از ادب و شعر هم بی‌بهره نبود.

درگذشت "مغازلی" مورخ، محدث و ستاره شناس (483 ق)

ابوعمّر مغازلی بوزجانی نیشابوری، حاسب و منجم و مهندس بود. او هندسه را از یحیی الماورّی و ابوالعلاء ابن کربیب فرا گرفت. هم چنین ابوالوفاء بوزجانی (که تائزانت را از بررسی مسجد پیامبر اکرم(ص) اختراع کرد) برادرزاده‌ی اوست که کسب فنون ریاضی را از او آموخت.

تولد "گوترید آخن‌وال" ریاضی‌دان آلمانی و واضع علم آمار (1719م)

پروفسور گوترید آخن‌وال ریاضی‌دان معروف آلمانی در 20 اکتبر 1719م، در آلمان متولد شد و پس از طی مدارج تحصیلی خود، به عنوان یک استاد برجسته ریاضی مطرح گردید. وی با مطالعه و تحقیق در علم ریاضیات، علم آمار را که در فراهم کردن اطلاعات کمی و تحلیل این اطلاعات به کار می‌رود، بنیان گذارد. آخن‌وال با طرح لفظ "ستاتیستیک" در مقدمه کتاب خود درباره آمار، این مسئله را مورد توجه قرار داد. وی علاوه بر ریاضی، در فلسفه و قوانین فلسفی مطالعات زیادی داشت و به عنوان یک صاحب‌رأی در این رشته آثار متعددی از خود به جای گذاشته است. پروفسور

گوترید آخن‌وال سرانجام در اول ماه مه 1771م در 52 سالگی درگذشت.
تولد "جان دیویی" روانشناس، مربی و فیلسوف شهیر آمریکایی (1859م)

جان دیویی، فیلسوف بزرگ معاصر آمریکایی در بیستم اکتبر 1859م در ورمونت آمریکا به دنیا آمد. وی بیست سال آغازین زندگی را در روستایی در ورمونت گذراند و این حضور، تاثیر عمیقی در دیویی نهاد که تا پایان عمر در او باقی ماند. دیویی پس از پایان تحصیلات خود، به تدریس در دانشگاه کلمبیا مشغول گردید و در طی سالیان تدریس، نظرات متعددی در باب تعلیم و تربیت، روان‌شناسی و فلسفه ارائه داد. او هم‌زمان در چین به سر برد و در آن سرزمین، به تدریس طریقه تعلیم و تربیت جدید پرداخت. خلاصه فلسفه دیویی در این جمله فشرده شده است که: "بحث نکن، به فکر چاره‌ی باش" هدف دیویی آن بود که فلسفه را به صورت علم درآورد، علمی که با حقایق و واقعیات فردی زندگی روزانه سرو کار داشته باشد نه قبول حقایق کلی. جان دیویی اعلام داشت که در واقع، حقیقت کلی‌ی وجود ندارد. آن‌چه برای شما حقیقت است ممکن است برای من نباشد و آن‌چه دیروز برای من حقیقت بوده است، ممکن است امروز دیگر حقیقت نداشته باشد. بنابراین نظر دیویی، فلسفه یعنی یادگیری و آموزش مداوم. از نظر دیویی، مدرسه باید به کودک، فکر کردن بیاموزد، باید به او یاد بدهد که چگونه، خود را با دنیای متحول پیرامونش سازگار کند و رابطه میان خود و اجتماع را کشف کند. به این ترتیب، دستگاه تربیتی دیویی برای آن است که مردان و زنان، از راه عمل، دانش و معلوماتی به دست آورند که برای بهتر کردن زندگی باشد. از نظر او، دموکراسی، یک زندگی سرشار از همبستگی، رد و بدل کردن بدون گرفت و گیر اندیشه‌ها، فارغ از سانسور و تهدید و حکومت متشکل از هوش و عقل است. جان دیویی، طرفدار آزادی فردی بود اما بر این قاعده که هر کس برای ساختن دنیای آزادتری برای همه، کمک کند. جان کلام فلسفه دیویی این است: تغییر و دگرگونی از راه رشد عقلانی است. هدف ماجرایی زندگی ما، رسیدن به کمال ناگهانی نیست، بلکه پیمودن مدارج کمال و رشد و تهذیب با تآیی و بردباری می‌باشد. راه رسیدن به بهشت، زورگویی و جنگ نیست، آهسته رو و مواظب قدم‌ها، خود باش. تجربه کن. در دفع شر و کسب نیکی محتاط باش و دقت به خرج ده. بر آن مباش که دنیا را صاحب شوی. بلکه بکوش تا دنیا را جای بهتری برای آسایش سازی و آزادی فردی را برای آن خواستار شو که تو را به آزادی‌خواهی برای افراد دیگر برانگیزد. از دیویی آثار متعددی برجای مانده که طرح یک نظریه انتقادی در اخلاق، مطالعاتی در نظریه منطقی، تجربه و طبیعت و اجتماع و مشکلات آن، از جمله تالیفات مهم اوست، جان دیویی سرانجام در اول ژوئن 1952 در 93 سالگی درگذشت.